

شماره ویژه آذر ۱۳۵۷

بحران

لیدر

سرمایه‌داری ایران و

احتضار سلطنت پهلوی



انقلاب سوم ایران آغاز شده است و امواج سرکش آن اینک از پس هم فرامی‌رسند • هریک از دیگری گسترده‌تر و سرکش‌تر • "موج دوم" اینک با حضور طبقه‌ای نشانه خورده است که دوران سازاست • کارگران به پا خواسته‌اند و کوشش خود را درست بر مراکز اعصاب نظام پوسیده آغاز کرده‌اند و دولت گماشته امپریالیزم، درمانده از رویارویی با این موج سهمگین، اینک همه ظرفیت خود را در وحشی‌گری و آدم‌کشی - که خود نشانه‌های واپسین دم‌هایش می‌باشد - به نمایش گذاشته است • در این شرایط سامان گرفتن مبارزه کارگران و تدقیق شعارها و برنامه‌هایشان مهم‌ترین گامی است که باید برداشته شود و این کار شدنی نیست مگر با فراهمی یک روزنامه انقلابی سرتاسری که بتواند بخش‌های گوناگون جنبش را بهم پیوند داده و با از میان بردن پراکندگی‌های موجود زمینه رهبری کارگران را در جنبش آنان و دیگر لایه‌های ستم‌دیده آماده سازد و بچون اسلحه‌ای در دست پیشگامان آگاه کارگران در سوی سامان دادن به مبارزه طبقه کارگر بمتابه یک طبقه بکار رود • گروه انقلابیون سوسیالیستی که بدور نشریه کندوکاو گردآمده‌اند کوشش‌های خود را در این سوی آغاز کرده‌اند • بدیهی است ما در این راه به همگامی همه جانبه عناصر آگاه انقلابی نیازمندیم • از این رو همه انقلابیون را فرامیخوانیم تا با همه امکانات خویش در این زمینه با ما همگامی کنند • روشن است در نخستین گام باید منابع مالی لازم جهت انتشار روزنامه فراهم گردد • بر این پایه از همه انقلابیون درخواست می‌کنیم که با فرستادن هرچه زودتر کمک‌های مالی خویش به نشانی کندوکاو ما را در برداشتن این گام اساسی یاری کنند •

قیمت: ۴۰ ریال

نشانی:

KANDOKAV
c/o The Other Bookshop
328 Upper Street,
London N1.

دوره "انقلاب سفید" در مقابل رژیم شاه تسلیم نشده بود، و یا سکوت اختیار نکرده بود، آیت الله خمینی بود. آیا جای شگفتی است که توده‌ها در پی یافتن رهبری اعتماد خود را به او سپرده‌اند؟ ارتباطی که از طریق اقشار پائینی جامعه روحانیت و توده فقیرده خرد بورژوازی شهری با رهبری این جناح از روحانیت وجود داشت اکنون از یک سو تبدیل به تسمه انتقال احساسات توده‌ای به رهبری که توده‌ها برای خود یافته بودند شد و از سوی دیگر امکان تاثیر این رهبری بر جنبش را فراهم آورد. هرچه مبارزات توده‌ای دامنه بیشتری گرفت، آیت الله خمینی با صدور بیانه‌های مصالحه‌ناپذیرانه تری علیه شاه و بعداً علیه سلطنت، محبوبیت توده‌ای بیشتری پیدا کرد. راز این محبوبیت توده‌ای در مذهبی شدن توده‌ها نیست؛ در اینست که توده‌ها وی را تنها رهبری یافته‌اند که به زبان خواست اصلی آنان سخن گفته است.

۴- راه حل بحران کنونی و تکالیف سوسیالیست‌های انقلابی

در مقابل تمام راه حل‌های بازگشت به قانون اساسی و حفظ نظام سلطنتی بهر شکل و تحت هر لوایی که باشد، سوسیالیست‌های انقلابی، هم‌صدا با توده‌های مبارز، سرنگونی انقلابی سلطنت، تشکیل مجلس موسسان و استقرار جمهوری را می‌طلبند.

در مقابل هرگونه راه حلی که کوچکترین توهمی در خیرخواهی و سلامت جویی هر بخشی از هیات حاکم ایجاد کند، راه حل‌های "ائتلاف ملی" که سلطنت را از یک در بیرون می‌کند و از در دیگر باز می‌گرداند، انقلابیون سوسیالیست، هم‌صدا با توده‌های مبارز، برای سرنگونی انقلابی سلطنت و علیه هرگونه سازش‌طبقاتی، علیه هرگونه جدایی بین مبارزات ضد استبداد و ضد سلطنت، مبارزه می‌کنند. توده‌های مبارز با دادن ده‌ها هزار کشته، بدون احتیاج به تشکیل دولت ائتلاف ملی، "نظر خود" را درباره سلطنت اعلام داشته‌اند: به سلطنت نه گفته‌اند!

به قانون اساسی‌ای که بنا بر آن "سلطنت و دیعه‌ایست که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مغضوب شده"، نه باید گفت!

به قانون اساسی‌ای که همه گونه حقوقی به شخص شاه که گویا باید

سلطنت کند و نه حکومت اعطا کرده است ، از فرماندهی کل قشون گرفته تا انتصاب وزراء و انحلال مجلسین و هزاران اختیارات بی حد و حصر دیگر ، نه باید گفت !

به قانون اساسی ای که همه حقوق دموکراتیک را ، از حق بیان و آزادی مطبوعات گرفته تا آزادی اجتماعات و مراودات ، به هزار مجوز "قانونی" مقید ساخته ، نه باید گفت !

به قانون اساسی ای که حتی تساوی قانونی افراد جامعه را ، صرفنظر از جنسیت ، ملیت ، و مذهب ، برسمیت نمی شناسد ، نه باید گفت !
به قانون اساسی ای که حق ملیت های تحت ستم را در تعیین سرنگون خود برسمیت نمی شناسد ، نه باید گفت !

به جای بازگشت به چنین قانون اساسی ، سوسیالیست های انقلابی برای سرنگونی سلطنت ، استقرار جمهوری و تشکیل مجلس موسسان مبارزه می کنند . نه آن گونه مجلس موسسانی که در قانون اساسی کنونی نیز پیش بینی شده ، یعنی مجلس موسسانی که حق تغییر در اساسی ترین قوانین ، نظیر تغییر نظام سلطنت ، را ندارد ! بلکه مجلس موسسانی که بر اساس انتخابات واقعاً آزاد ، با رأی مخفی و بر مبنای حق رأی همگانی ، انتخاب شده باشد ؛ مجلس موسسانی که برای آرایش و ترمیم قانون اساسی کنونی و یا صرفاً نگارش قانون اساسی جدیدی انتخاب نمی شود ، بلکه مجلسی که در آن تمامی اقشار تحت ستم و استثمار از طریق ساختارهای مبارزاتی خود و انتخاب نمایندگان که در مقابل این ساختارها مسئولند بتوانند خواست های خود را مطرح کنند ؛ یعنی مجلس موسسانی که واقعاً بیانگر خواست ها و اراده توده های مبارز باشد و بجز نیروی سازمان یافته همین توده های مبارز ، هیچ نیروی دیگری "بالای سرخود" نداشته باشد . مبارزه برای تشکیل یک چنین مجلس موسسانی جدا از مبارزه برای سرنگونی سلطنت و استقرار جمهوری نیست .

در طی یک سال گذشته ، جنبش توده ای چندین بار در جهت سرنگونی سلطنت پیش رفته است . در تظاهرات خیابانی چند میلیونی توان خود را نشان داده است . با ورود طبقه کارگر به صحنه مبارزه با اعتصابات سرتاسری سیاسی سلطنت به جنگ تن به تن خوانده شد . ولی هر بار که جنبش توده ای تاسرحد سرنگونی سلطنت به پیش رفته ، با یک مانع نهایی مواجه شده که تاکنون موفق به غلبه بر آن نشده ؛ ارتش . تظاهرات چند میلیونی خیابانی و اعتصاب سیاسی سرتاسری شرایط را برای سرنگونی سلطنت آماده می کنند ، ولی بخودی خود قادر به حل مسأله ارتش نخواهند بود . جنبش توده ای خود راه هایی چند را به آزمون نهاده است .

با پرتاب گل به سربازان و طنین شعار تکان دهند "برادر ارتشی، چرا برادر کشی؟" کوشیده است سربازان را به سمت جنبش جلب کند. اینجا و آنجا، این یا آن سرباز را چنان تحت تاثیر قرار داده که به گریه شان انداخته، انضباط ارتشی شان را شکسته، حتی برخی را وادار به شلیک به افسران خود کرده است. قدرت این شعار از صدها فراخوان مذهبی بر روحیه سربازان بیشتر بوده است. دل صدها هزار سرباز ایرانی را که خود دهقان زاده و کارگرزاده اند، خود همان سختی ها و بدبختی ها و ستم ها را متحمل شده و می شوند، و برادران و خواهران خود را در میان تظاهرات می بینند به لرزه درآورده است. ولی صرف تاثیر روانی بر روحیه سربازان برای بریدن آنان از انضباط ارتشی و پیوستن به جنبش توده ای کافی نیست. برای سربازی که تحت انضباط سخت ارتش است جدا شدن از ارتش و پیوستن به جنبش حکم خود کشی را خواهد داشت مگر آنکه جنبش چنان توانایی از خود نشان داده باشد که امکان پیروزی ملموس آن ظاهر شده باشد.

پس مساله ارتش را چگونه می توان حل کرد؟

راه حل آیت الله خمینی فراخواندن "ارتش مسلمان" ایران به شوخ علیه شاه و برانداختن قدرت سلطنت و پیوستن به توده مردم بوده است. ولی تمامی تجربه تاریخ نشان می دهد که هرگز ارتش در کلیت آن به جنبش توده ها نخواهد پیوست. اگرچه سربازان ارتش در شرایطی که توانایی جنبش در خود ارتش شکاف بیندازد و سربازان جنبش را در مقابل نظام کهنه بدیل ملموس و نیرومندی بیابند به جنبش می پیوندند ولی افسران و سپهبد ها و ارتشبد ها که تمام امتیازات مادی و اجتماعی خود را مدیون ارتش و نظام طبقاتی ای که این ارتش حافظ آنست هستند تا آخرین نفس به استخوان بندی نظام کهن می چسبند. ارتش در نهایت می باید در هم شکسته شود. و پخش فراخوان هایی که ممکن است این امید واهی را در مردم برانگیزد که شاید ارتش به آنان ملحق خواهد شد به در هم شکسته شدن ارتش و جلب توده سربازان به جنبش کمک نخواهد کرد.

پس سربازان را چگونه می توان جلب کرد؟ تجربه مبارزه در سایه کشورهای نشان داده که با ترکیب دو کار توده سربازان را می توان به جنبش جلب کرد. نخست آنکه جنبش می باید شروع به ساختن قدرت مستقل خود کند. سربازان باید ببینند که توده ها فقط برای اعتصاب و تظاهرات به خیابان ها نیامده اند؛ برای سرنگونی سلطنت به میدان آمده اند. سربازان باید ببینند کارگران، دهقانان و توده های فقرزده شهری قادر به دفاع از جنبش خود هستند، می دانند چه می خواهند و در راه خواست

خود آماده و قادر به مبارزه و درگیریند • این کار فقط از راه مبارزه برای تسلیح عمومی توده های مردم میسر خواهد بود • تشکیل گروه های دفاعی در تمام مناطق، کارخانه ها، روستاها، و محله ها نخستین گام ها در جهت تسلیح عمومی مردم، و جلب سربازان به این قدرت در حال تکوین خواهد بود • در بسیاری از شهرها چنین ساختارهایی، اگرچه بطور موقتی و محدود به محله های جدا از هم، خود بخود ظاهر شده اند • همان کمیته های خود - سازماندهی مبارزه، نظیر کمیته های اعتصاب، می توانند نطفه های اولیه تسلیح عمومی را فراهم آورند • هیچ نیروی دیگری، چیزی همین ساختارهای مبارزاتی، قادر و حاضر به سازماندهی تسلیح توده ها کارگر و دهقان نخواهد بود • ولی تحکیم و تعمیم این گروه های دفاع از خود بدون وجود یک رهبری مرکزی با سیاست انقلابی درباره ارتش امکان پذیر نخواهد بود •

دومین راه جلب سربازان در قدرت جاذب برنامه جنبش نهفته است • جنبشی که از حقوق دمکراتیک سربازان در ارتش دفاع کند، جنبشی که خواهان "ارتشی" باشد که در آن توده مسلح خود فرماندهان را انتخاب و در صورت لزوم عزل می کنند، جنبشی که سرباز دهقان زاده را به دفاع از تصاحب زمین ها بدست دهقانان فراخواند، جنبشی که سربازکار - گرزاده را به دفاع از کارخانه ها و صنایع تحت کنترل کارگران فراخواند، ... چنین جنبشی براحتمی خواهد توانست سربازان را به صفوف خود جلب کند • سربازان دهقان زاده و کارگزراده به جنبش توده های کارگر و دهقان که برای استقرار حکومت خود متشکل شده، و برای سرنگونی سلطنت به میدان مبارزه می آیند و قدرت و آمادگی خود را برای این رزم مرگ و زندگی نشان می دهند براحتمی جلب خواهند شد •

ولی چه کسی پس از سرنگونی سلطنت زمام حکومت را بدست خواهد گرفت که قادر به تشکیل مجلس موسسان انقلابی و استقرار جمهوری باشد؟ حزب توده تشکیل "حکومت ائتلاف ملی بر پایه جبهه ضد دیکتاتوری" را وعده می دهد • ولی "جبهه ضد دیکتاتوری" واقعی امروزه در خیابان های تهران و سایر شهرهای ایران، در مبارزات و از خود گذشتگی های توده ها مردم، خود را تشکیل داده است • در این مبارزات نیز هیچ یک از جناح های طبقه حاکم ایران، هیچ بخشی از بورژوازی ایران، کوچکترین شرکتی نداشته است • حزب توده اگر واقعا از منافع توده های مبارز حرکت می کند بجای آنکه پشت سر توده ها به دنبال جناح های "ملی" طبقه حاکم و بورژوازی بگردد که نوعی حکومت "ائتلاف ملی" براه اندازد باید به این جبهه واقعی مبارزه ضداستبدادی بپیوندد و برای استقرار

جمهوری برپایه ساختارهای مبارزاتی خود توده‌ها بچنگد • چه کسی بیش از آنها که سلطنت را سرنگون کرده‌اند لیاقت استقرار حکومت جدید را خواهند داشت؟

آیت‌الله خمینی نیز در بیانیه‌های خود پس از پافشاری بر ضرورت رفتن شاه و سلطنت، درباره اینکه چه کسی را برای حکومت مناسب می‌بیند و چه تصویری از حکومت آینده دارد می‌گوید: "ما از میان آنهایی که با مفهوم اسلامی قدرت‌آشنایی دارند و یا آنهایی که توانایی و قابلیت این کار را دارند کسی را انتخاب خواهیم کرد." (بنقل از مصاحبه با لوموند، منتشره نهضت آزادی در خارج از کشور) • بنظر ما انتخاب حکومت پس از سرنگونی سلطنت تنها حق توده‌هایی است که سلطنت را سرنگون کرده‌اند. توده‌های مبارز از طریق همان ساختارهای مبارزاتی که در طی مبارزات خود برای سرنگونی ساخته‌اند نمایندگان خود را برای حکومت جدید انتخاب خواهند کرد و این نمایندگان در مقابل این ساختارها مسؤول و توسط آنها قابل عزل باید باشند •

هم‌اکنون نطفه‌های این گونه ساختارها در مبارزات پدیدار شده است: کمیته‌هایی که در محلات فقیرنشین شهرها تشکیل شده و نقش سازماندهی مبارزات را بعهده گرفته، کمیته‌های اعتصاب‌کارگری که اعتصابات کارگری را سازمان داده‌اند و کمیته‌های هماهنگی که مابین کمیته‌های اعتصاب ایجاد شده است، و دیگر ساختارهای خود-سازماندهی توده‌ای - اینها آن ساختارهایی هستند که از طریق تعمیم و تمرکز خود هم موفق به سرنگونی سلطنت خواهند شد و هم تنها مرجعی هستند که حق تشکیل حکومت جدید را خواهند داشت • این حکومت چگونه حکومتی خواهد بود؟ اساساً یک حکومت کارگران و دهقانان • از تمامی اقشار تحت ستم و استثمار در ایران کارگران و دهقانان توده عظیم آنان را تشکیل می‌دهند • کارگران هم‌اکنون قدرت اجتماعی خود را نشان داده‌اند، از طریق رابطه بین روستاییان مهاجر به شهر و رفت و آمد آنان به روستا، روستاهای ایران نیز دیگر روستاهای منزوی از هم و جدا از شهر نیستند • روستاییان دولت را در مقابل خود دیده‌اند، اثر اقدامات دولتی را بر فقر روزافزون و خانه‌خرابی خود دیده‌اند، از طریق ارتباط با شهر سیاسی شده‌اند و هم‌اکنون در بسیاری نقاط شکل و مبارزه علیه دولت را آغاز کرده‌اند • در تظاهرات شهری شرکت کرده‌اند • علیه سازمان‌های دولتی در روستاها برخاسته‌اند • اتحاد این دو توده عظیم شرط پیروزی انقلاب ایران خواهد بود • بورژوازی ایران نه در هیچ یک از مبارزات شرکت کرده و نه خواهد کرد • سلطنت و دولت استبدادی مهره‌های حاکمیت این طبقه -

اند • بكمك آنها بوجود آمده ، رشد کرده و ادامه حیاتش در گروی تجدید ثبات آنهاست • تنها عكس العمل بورژوازی ایران در مقابل برخاست جنبش توده ای پشتیبانی کامل از تمام اقدامات سرکوبی دولت بوده است و بمحض اینکه دیگر اطمینان کامل به قدرت این دولت نداشته ، خود و ثروتش را به خارج از کشور منتقل کرده ، به انتظار نشسته ، تا احیاناً پس از شکست جنبش و تحکیم ارتجاع دوباره برای چپاول و استثمار بازگردد • سوسیالیست های انقلابی علیه هرگونه پیشنهادی که به نوعی راه را برای شرکت بورژوازی در حکومت پس از سرنگونی بازگذارد ، چه تحت لوای "ائتلاف ملی" و چه تحت هر عنوان دیگر که نقش بورژوازی را مبهم بگذارد ، مبارزه خواهند کرد •

بجز کارگران و دهقانان سایر اقشار تحت ستمی که در مبارزات توده ای کنونی سهمند منافع متمایز و در تضاد با این دوتوده عظیم زحمتکشان ندارند ؛ یا اقشار فقرزده شهریند که در واقع کارگران بیکار / روستاییان مهاجرند و یا اقشار پایینی خرده بورژوازی شهریند که دقیقاً رشد بورژوازی و سرمایه داری آنان را به فلاکت و ورشکستگی کنونی کشانیده و تنها راه خلاصی شان بریدن از بورژوازی ، پیوستن به کارگران و دهقانان برای ایجاد جامعه ایست که از نظام امپریالیستی و چارچوب تولید برای سود خود را بیرون کشد ؛ و به سمت جامعه ای که در آن تولید بخاطر نیازهای تولید کنندگان / مصرف کنندگان سازمان می یابد حرکت کند •

تمام گرایش های سیاسی و گروه ها و رهبران مذهبی که خود را نمایند^ه اقشار تحت ستم و مبارز می دانند تنها با بریدن از بورژوازی و راه حل های بورژوایی و پیوستن به صفوف ساختارهای مبارزاتی توده ای ، به ساختارها^ی خود - سازماندهی کارگران ، دهقانان و توده های فقرزده شهری ، خوا^{ند} توانست در انتخاب چنین حکومتی که در مقابل این ساختارها مسوول خواهد بود و نه در مقابل هیچ قدرت دیگری خارج از نیروی توده های مبارزه ، شرکت کنند •

تنها و بهترین تضمین در مقابل بازگشت ارتجاع و سلطنت تشکیل چنین حکومت کارگران و دهقانان است • بدون چنین حکومتی بورژوازی در کمین خواهد نشست ، "رهبران" مصالحه طلب که فقط ثمرات جنبش توده ای را ربوده ، برفع طرح های اصلاح طلبانه خود استفاده خواهند کرد راه را برای بازگشت ارتجاع ، تحکیم حاکمیت بورژوازی و حتی بازگشت سلطنت باز خواهند کرد • تنها با استقرار چنین حکومتی تشکیل مجلس موسسانی که واقعاً بیانگر اراده توده های مبارز باشد ، مجلس موسسانی که توده های تحت ستم و استثمار بتوانند خواست های خود را در آن بیان کنند و راه حل اجتماعی مسایل را بازبندند ، ممکن خواهد بود • از این رو سوسیالیست های

انقلابی سرنگونی سلطنت و برقراری جمهوری، تشکیل مجلس موسسان و استقرار حکومت کارگران و دهقانان را حلقه های بهم پیوسته محور مبارزات کنونی می دانند •

سرنگونی سلطنت پاک ساختن جامعه ایران را از تمامی کثافات استبداد و سلطنت بعنوان يك تکلیف فوری روز در مقابل حکومت جدید قرار می دهد • این پاک سازی چگونه و بر مبنای چه معیاری صورت خواهد گرفت؟ تاکنون در فراخوان ها و مصاحبه ها و پیام های آیت الله خمینی در پاسخ به این سوال جز تصفیه وزارتخانه ها و ادارات دولتی از " اشخاص خائن و استفاده جو" و جایگزینی آنان با " افراد خداشناس و وطنخواه " جواب دیگری نشنیده ایم • برای سوسیالیست های انقلابی این پاک سازی جامعه از کثافات استبداد و سلطنت بمعنی د مکرراتیزه کردن جامعه از سر تا پا است ؛ یعنی انحلال ارتش ، پلیس و ژاندارمری و جایگزین کردن توده های مسلح به جای آن • توده های مردم خود بهتر از هر ارتش عادی قادر به دفاع از خود و دستاورد های جنبش خواهند بود ؛

یعنی انحلال ساواک و تمامی دستگاه های مشابه آن • توده انقلابی احتیاج به هیچ گونه سازمان امنیتی بجز قدرت سازمان یافته خود ندارد ؛ یعنی انتخابی بودن کلیه مراجع و مناصب دولتی ، از قضات دادگاه و وکلا و وزراء گرفته تا مامورین و کارمندان ؛ یعنی فراخوان پذیری کلیه مامورین دولت و عزل آنان توسط همان ساختارهای انتخاباتی هر زمان که خود توده های مردم لازم بدانند • توده های مردم بهترین قاضی در مورد صلاحدید و معتمد و مطمئن بودن مامورین انتخابی خود هستند ؛

یعنی تعیین حداکثر حقوق مناصب دولتی معادل حقوق کارگران ماهرتا فقط آنها که صمیمانه قصد خدمت به جامعه دارند و نه قصد انباشت امتیاز و ثروت داوطلب عهده داری این مناصب شوند ؛

یعنی آزادی کامل بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، اتحادیه ها ، احزاب ؛ یعنی برسمیت شناختن حقوق ملیت های تحت ستم در تعیین سرنوشت خود تا به حد جدایی و استقلال ؛

یعنی تساوی کامل زن و مرد و لغو تمام قوانینی که اختیار زن را به کسی جز خود او واگذار می کند ؛

یعنی رفع تبعیضات علیه کلیه مذاهب ؛ جمهوری ای که مابرا آن می جنگیم ، جمهوری ای که بیانگر منافع کارگران و دهقانان باشد ، هیچ گونه امتیازی برای فارس نسبت به غیر فارس ، برای مرد نسبت به زن ، و برای مسلمان نسبت به غیر مسلمان نمی تواند قایل شود •

بجز مساله رویدن کثافات استبداد و سلطنت و د مکرراتیزه کردن کامل

جامعه ، در شرایطی که بحران همه جانبه اجتماعی پاسخ صریح به تمام مسایل را طلب می کند ، جواب به این مسایل اجتماعی را نمی توان به آینه دور دست و عبارت پردازی های مبهم حواله کرد . هیچ يك از گرایش های سیاسی و رهبران مذهبی پاسخ ملموس و روشنی به این مسایل نداده اند . اصلاحات ارضی شاه روستاهای ایران را به فلاکت و فقرزدگی گشاند ، خود دهقانان برای احقاق حقوق خود به حرکت درآمده اند ، در مقابل تجویز جمهوری اسلامی برای دهقانان اینست که " به هر زارع نمره کارش برسد و مالکینی که قوانین اسلام را زیر پا می گذارند تنبیه شوند " . دهقانان زمین می خواهند ولی در اسلام تصرف ملك خصوصی بدون مجوز شرعی حرام است . در جمهوری ای که ما برای آن مبارزه می کنیم مناسب ترین " مجوز شرعی " در مورد سرنوشت زمین ها را کمیته های دهقانی صادر خواهند کرد . این کمیته های دهقانی کلیه زمین هایی را که هنوز در اختیار عمده مالکین است غصب خواهند کرد و خود تصمیم خواهند گرفت که این زمین ها را بصورت واحد های دسته جمعی یا فردی کشت کنند ؛ کمیته های کارگران زراعی واحد های بزرگ کشت و صنعت را در اختیار خود خواهند گرفت و در ارتباط با کمیته های کارگری در شهرها و کمیته های دهقانی در روستاها تصمیم خواهند گرفت چه کشت کنند ، چگونه کشت کنند چه احتیاجاتی از لحاظ بذرو کود و سیستم توزیع و بیمه و اعتبار دارند و از کمیته های کارگری مربوطه خواهند خواست که این احتیاجات را برآورد سازند .

برنامه های اقتصادی رژیم پهلوی بجای رشد واقعی صنعت و کشاورزی و خدمات اجتماعی به ثروتمند شدن اقلیت معدودی از سرمایه داران و زمینداران و سران دولتی و فلاکت و فقر توده عظیم مردم منجر شده است . ما هم با " کوتاه کردن دست غارتگران از بین المال " موافقیم . ما هم موافقیم که اینان پس از چند دهه غارتگری اکنون با انتقال ثروت خود به خارج ضربات بیشتری بر پیکر اقتصاد ایران وارد خواهند آورد . ولی چگونه می توان دست غارتگران را کوتاه کرد ؟ نخستین گام در این راه را کارمندان بانک مرکزی نشان داده اند . با افشای نام ثروتمندانی که میلیون ها ریال از ثروت انباشته از قبیل کار توده کارگر و دهقان را بخارج منتقل کرده اند اولین گام را در راه کنترل بانکها بنفع توده ها برداشته اند . قدم بعدی کنترل تمام معاملات بانکی و تجارت خارجی ، ملی کردن تمام موسسات مالی و بیمه و بانکها تحت کنترل کمیته های منتخب کارگری خواهد بود که برای همیشه به این غارتگری ها خاتمه دهد و موسسات مالی را تحت نظارت کارگران در خدمت برنامه اقتصادی قرار دهد .

صنعتی شدن کشور نیز در شرایط تولید بمنظور سود افزایی غیرممکن است • قطع رابطه ایران با نظام امپریالیستی که لازمه پیشرفت واقعی صنعتی خواهد بود ، کافی نیست • بدون ملی کردن صنایع و استقرار یک اقتصاد با برنامه ، که برنامه آن تحت کنترل خود تولید کنندگان و مصرف کنندگان تهیه شود ، پیشرفت صنایع غیرممکن خواهد بود • علاوه بر این ، در چارچوب کشوری آنهم به عقب افتادگی ایران ، پیشرفت صنعتی بدون روابط اقتصادی با کشورهای دیگر غیرممکن می شود • چرا که از تجربه سایر کشورهای غیرسرمایه داری که با تمام مشکلات و مسایل پیشرفت هائی در زمینه اقتصاد با برنامه داشته اند (و همچنین از اشتباهات و نواقص آنها) نیاموزیم ؟ تجارب کوبا ، چین ، اروپای شرقی و شوروی و برقراری روابط اقتصادی ، که خالی از بهره کشی و انقیاد باشد ، با این کشورها برای اقتصادی که تا دیروز در شکم نظام امپریالیستی جای داشته لازم خواهد بود •

جمهوری ای که ما در راه استقرارش مبارزه می کنیم برای سایر مسایل اجتماعی نیز می باید برنامه مشخص داشته باشد : با کمک به اشغال خانه های خالی و در اختیار افراد و خانواده های بی خانمان قرار دادن آنها مساله مسکن از حالت حاد کنونی تخفیف خواهد یافت و با اجرای برنامه های وسیع خانه سازی ، بهداشت عمومی ، ایجاد مدارس و پرورشگاه ها و مهد کودک های وسیع و سایر خدمات اجتماعی در جهت حل تمام این مشکلات عظیم جامعه حرکت خواهد کرد •

قطع رابطه با امپریالیزم و کسب استقلال از آن در چنین جمهوری بمعنی آنزوا و کناره گیری از سایر ملل نخواهد بود • به وارونه سیاست دولت استبدادی و سلطنتی کنونی جمهوری ای که بجای آن مستقر می شود می باید دست کمک به سمت مبارزه کلیه کارگران و ستم دیدگان علیه ستم و استثمار دراز کند • در درجه اول این بمعنی کمک به مبارزات توده های تحت ستم در شرق و غرب ایران ، کمک به گسترش انقلاب در شبه قاره هندوستان و خاور عربی خواهد بود • این جمهوری در مبارزات ضد بورکراتیک در شوروی نیز یاور طبیعی دیگری خواهد یافت • ولی دول امپریالیستی نیز در مقابل حرکت جنبش توده ای بسمت برانداختن سلطنت و استقرار چنین جمهوری ای ساکت و بیکار نخواهد نشست • در مقابل تلاش های ارتجاع امپریالیستی برای خرد کردن انقلاب ایران جمهوری ای که ما برای استقرارش می کوشیم دست طلب یاری به جنبش کارگری در کشورهای امپریالیستی دراز خواهد کرد • تنها یک جنبش نیرومند علیه دخالت امپریالیزم در ایران در خود کشورهای امپریالیستی خواهد توانست کمک قاطعانه به انقلاب

ایران را برساند •

ولی استقرار چنین جمهوری بدون ساختن رهبری پرولتری انقلابی که بتواند جنبش توده‌های تحت استثمار و تحت ستم را در جهت چنین راه حلی و به حول چنین خواست‌ها و تکالیفی هدایت کند میسر نخواهد بود • ساختن حزب انقلابی پرولتری به دور برنامه انقلابی انتقالی برای انقلاب سوسیالیستی ایران اکنون مهمترین مساله روز در مقابل سوسیالیست‌های انقلابی است • تدوین یک برنامه جامع و ساختن یک حزب انقلابی در ایران فقط بر مبنای چکیده کل میراث انقلابی بین‌المللی و در چارچوب تنه‌ها سازمان بین‌المللی که حافظ سنن انقلابی و گسترش برنامه و تئوری انقلابی در سطح جهانی بوده است ممکن است : یعنی به شکل ساختن بخش بین‌الملل چهارم در ایران •

سرنگون باد سلطنت! برقرار باد جمهوری!

پیش به سوی انتخاب مجلس مؤسسان!

زنده باد حکومت کارگران و دهقانان!